کارشناسان در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» و با ابراز نگرانی از نبود اراده چاره‌ساز:

هیچ امیدی به احیای دریاچه ارومیه نیست

عکس از ایرنا

احتمال خشک شدن کامل دریاچه ارومیه تا پایان تابستان، زنگ خطری جدی برای محیط زیست و سلامت ساکنان منطقه است. این دریاچه که زمانی بزرگ‌ترین دریاچه نمکی جهان بود، به دلیل تغییرات اقلیمی و مدیریت نادرست منابع آب، به سرعت در حال از بین رفتن است. خشک شدن آن نه تنها به کاهش تنوع زیستی و نابودی زیستگاه‌ها منجر می‌شود، بلکه با بروز طوفان‌های نمکی، سلامت و کیفیت زندگی ساکنان را نیز تهدید می‌کند. کارشناسان هشدار می‌دهند که بدون تغییرات اساسی در رویکردهای مدیریتی، احیای این دریاچه به یک آرزوی دور از دسترس تبدیل خواهد شد.

به گزارش گروه شهرنوشت «توسعه ایرانی»، حجت جباری، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان آذربایجان غربی هفته گذشته اعلام کرد: در بخش شمالی دریاچه که حدوداً نیمی از مساحت دریاچه است، آب بسیار کمی در مساحت ۱۰۰ کیلومترمربع باقی مانده است؛ شاید فقط لایه‌ای به‌ضخامت چهار یا پنج سانتی‌متر که در واقع می‌توان گفت دیگر آبی وجود ندارد، این برای نخستین بار است که احتمال می‌دهیم طی پنج یا شش روز آینده، بخش شمالی دریاچه به‌طور کامل خشک شود،

به گفته وی در جنوب دریاچه نیز حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتر از مساحت دریاچه به‌عمق حدود ۱۵ تا ۲۰ سانتی‌متر آب باقی مانده است که با ادامه این روند، تا پایان تابستان احتمال خشک‌شدن کامل آن هم وجود دارد که به‌معنی خشکی کامل و ۱۰۰ درصدی دریاچه ارومیه خواهد بود، البته هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم، ولی نزدیک هستیم.

احتمال خشک شدن کامل دریاچه ارومیه تا پایان تابستان، یک فاجعه زیست‌محیطی و اجتماعی است که نه‌تنها بر اکوسیستم‌های محلی تأثیر می‌گذارد، بلکه تبعات گسترده‌ای برای سلامت انسان‌ها و معیشت ساکنان این منطقه به‌همراه خواهد داشت. این دریاچه که زمانی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های نمکی جهان شناخته می‌شد، به دلیل تغییرات اقلیمی، مدیریت نادرست منابع آب و فعالیت‌های انسانی، به‌سرعت در حال از بین رفتن است. خشک‌شدن دریاچه ارومیه نه‌تنها به کاهش تنوع زیستی و نابودی زیستگاه‌های طبیعی منجر می‌شود، بلکه با بروز طوفان‌های نمکی و گرد و غبار، سلامت ساکنان و کیفیت زندگی آن‌ها را نیز به خطر می‌اندازد. در این شرایط، تلاش برای احیای این دریاچه به یک ضرورت غیرقابل انکار تبدیل شده است. اگرچه به گفته کارشناسان تا تغییر اساسی در رویکردها نداشته باشیم احیای این دریاچه مطلقاً امکان‌پذیر نیست.

پدرام جدی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»: مدیریت منابع آبی که در سال‌های گذشته در منطقه و حوضه آبخیز ارومیه حاکم بوده، این انتظار را غیرواقعی می‌سازد که دریاچه ارومیه احیا شود. با مرگ این دریاچه علاوه بر ایجاد مشکلات گردشگری، سلامت مردم نیز به خطر می‌افتد. وزش باد نیز در این منطقه می‌تواند به بلند شدن نمک و فلزات سنگین و شیوع بیماری‌های مختلف منجر شود

تصمیمات غلط در سایه این تصور که: «همیشه آب هست»

دبیر شبکه تشکل‌های محیط زیست و منابع طبیعی در این باره به «توسعه ایرانی» گفت: مهم‌ترین موضوعی که در مورد دریاچه ارومیه می‌توان مطرح کرد، این است که راهکارها و روش‌های حل مسئله که باید ناظر به شناخت درست مسئله و حل صحیح مسائل باشد، به‌درستی شناخته نشده‌اند. در واقع، ما با دو مشکل مواجه هستیم: اول، عدم شناخت صحیح مسائل و عوامل پدیدآورنده این بحران و دوم، عدم اولویت‌دهی به این شناخت‌ها. حتی در مورد عواملی که به‌عنوان علل خشکی و کمبود آب شناخته شده‌اند، ما نتوانسته‌ایم به‌درستی با آن‌ها مقابله کنیم.

محمد الموتی، ادامه داد: عوامل اصلی این بحران شامل سدسازی‌های گسترده، تغییر الگوی کشت و گسترش کشاورزی با محصولات آب‌بر است. این توسعه، به ویژه در پی سدسازی‌ها، به لحاظ روانی ایجاد شده است. متأسفانه در کشور ما، برخلاف تمام ادعاها و صحبت‌هایی که همیشه در مورد توسعه پایین دست مطرح شده، نه تنها هیچ‌یک از این اهداف محقق نشده‌اند بلکه حس رقابت برای توسعه ایجاد شده و این تصور وجود دارد که آب به میزان کافی وجود دارد.

وی تصریح کرد: بنابراین با این حس که آب هست؛ گسترش اراضی کشاورزی و شهرسازی به راحتی امکان‌پذیر شده و این نشان می‌دهد که هیچ برنامه جامع و آمایشی در نظر گرفته نشده است. یکی از عوامل دیگر، اشتباه در سیاست‌گذاری‌های کلان است که سدسازی‌ها نمونه‌ای از آن‌ها هستند. سیاست‌گذاری‌های کلانی مانند توسعه کشاورزی با محصولاتی که پرآب‌بر هستند دارند، حتی سیاست‌های حفاظتی نیز که خود دچار مشکلات عدیده‌ای بوده‌اند و اینها هم برای موفقیت پروژه‌ها ایجاد مشکل کرده است.

پژوهشگر منابع طبیعی و محیط زیست: احیای دریاچه ارومیه به یک اراده ملی و محلی بزرگ نیاز دارد. مصرف‌کنندگان آب در منطقه باید بپذیرند که برای حفظ دریاچه ارومیه باید تغییراتی در الگوی مصرف خود ایجاد کنند و از طرفی نمی‌توان انتظار داشت که دریاچه حیات داشته باشد در حالی که زمین‌ها و محصولات کشاورزی مدام توسعه پیدا می‌کنند

دبیر شبکه تشکل‌های محیط زیست و منابع طبیعی با اشاره به اقدامات صورت گرفته برای احیای دریاچه ارومیه گفت: در دهه ۹۰، میلیاردها تومان در ستاد احیای دریاچه ارومیه هزینه شد بدون اینکه کوچک‌ترین اثری از احیای دریاچه یا اصلاح رویه‌ها مشاهده شود. آنچه در حوزه ستادی انجام شد، برخلاف درخواست و مطالبه ما بود که حتما باید معطوف به تغییر سبک زندگی و فرهنگ‌یابی مناسب که با فرهنگ‌سازی نیز متفاوت است، باشد.

نگاه غالب در دریاچه ارومیه سازه‌محور و توهم توسعه بود

وی ادامه داد: ما معتقد بودیم که باید به فرهنگ‌یابی و الگوهای فرهنگی جوامع محلی توجه شود تا بتوانند در برابر وضعیت موجود تاب‌آور و سازگار باشند. متأسفانه، این موارد نیز در حوزه احیا مورد توجه قرار نگرفت و نگاه غالب، سازه‌محور بود و نگاه همچنان نگاه توهم توسعه بود و هیچ تغییری در رویکردها ایجاد نشد.

تصریح کرد: اگر بخواهم بهترین تیتر را برای وضعیت دریاچه ارومیه انتخاب کنم، همیشه به دوستان می‌گویم که ما همه با هم اشتباه کردیم. همه دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان، اشتباهات مهلکی انجام داده‌اند. اما اگر بخواهیم مقصر اصلی را مشخص کنیم، باید بگویم که دولت به‌عنوان پیشانی حرکت، بیشترین اشتباهات را مرتکب شده و طلایه‌دار این اشتباهات است.

محمد الموتی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»: در دهه ۹۰، میلیاردها تومان در ستاد احیای دریاچه ارومیه هزینه شد بدون اینکه کوچک‌ترین اثری از احیای دریاچه یا اصلاح رویه‌ها مشاهده شود. آنچه در حوزه ستادی انجام شد، برخلاف درخواست و مطالبه ما بود که حتما باید معطوف به تغییر سبک زندگی و فرهنگ‌یابی مناسب که با فرهنگ‌سازی نیز متفاوت است، باشد

شکل‌گیری طوفان‌های نمکی در پی خشک شدن دریاچه ارومیه

الموتی با اشاره به تبعات زیست‌محیطی خشک شدن دریاچه ارومیه گفت: خشک شدن دریاچه ارومیه تبعات محیط زیستی مستقیمی بر سلامت انسان‌ها و سایر زیستمندان دارد. یکی از مهم‌ترین این تبعات، طوفان‌های نمکی و گرد و غباری است که به‌دلیل خشکیدگی دریاچه به‌وجود می‌آید. این وضعیت به بیابان شدن منطقه و ایجاد شرایط مشابه با آنچه در دریاچه آرال اتفاق افتاد، منجر می‌شود و آن را تبدیل به یک منطقه بیابانی و برهوت کرد.

وی ادامه داد: این اتفاق باعث تغییر در کیفیت گیاهان منطقه و جانوران آبزیان و کنارآبزیانی است که در این منطقه بودند. مهاجرت پرندگان به این منطقه منافع زیادی را برای شمال کشور داشت که الان حذف شده است.

دبیر شبکه تشکل‌های محیط زیست و منابع طبیعت، تصریح کرد: آثار خشک شدن دریاچه بر سلامتی هنوز به طور کامل در تحقیقات و بررسی‌ها مشخص نشده است، اما پیش‌بینی می‌شود که با افزایش موارد بیماری‌هایی مانند سرطان، بیماری‌های گوارشی و اختلالات روانی مانند افسردگی، مواجه شویم. این آثار از تبعات خشک شدن دریاچه‌ها و تغییرات اقلیمی است که در مناطق دیگر دنیا نیز مشابه آن را داشته‌ایم.

الموتی گفت: ضررهای ناشی از خشک شدن دریاچه ارومیه فقط به از بین رفتن آب محدود نمی‌شود. هزینه‌های هنگفتی در حوزه سلامت و امنیت روانی جامعه وجود دارد که قابل ارزش‌گذاری نیست. همچنین، تغییرات ناگزیر بافت جمعیتی و مهاجرت‌های سنگین در صورت ادامه این روند، چالش‌های جدی برای کشور به‌وجود خواهد آورد.

با این روش دریاچه ارومیه مطلقا احیا نمی‌شود

وی درباره اینکه آیا احتمال امکان احیای دریاچه وجود دارد، گفت: با توجه به رویکرد و تفکری که در مدیران و برنامه‌ریزان وجود دارد و با این بی‌توجهی به آینده و مسائل آمایش سرزمین، این نوع سبک زندگی حوزه کشاورزی و ادامه وجود سدهایی که روی رودخانه‌های منتهی به دریاچه هستند، هیچ امیدی به احیای دریاچه ارومیه حتی به صورت موقت و محدود وجود ندارد.

با توجه به الگوهای کلان آب و هوایی و گرمایش جهانی که در پیش داریم باید تغییرات بنیادین را به لحاظ فیزیکی و رویکردی انجام دهیم یعنی تمام سدها برچیده شده و حقابه دریاچه داده شود و سپس به دیگر مسائل بپردازیم و تغییر رویکردها نیز باید به صورت بنیادین انجام شود و نوع بودجه‌ریزی و سیاست‌های حمایتی و حفاظتی کاملا باید از نو نوشته شود و با توجه به شرایط روز برنامه‌ریزی شود که متاسفانه چنین اراده‌ای به هیچ وجه دیده نمی‌شود.

به‌رغم هزینه‌های بسیار در دریاچه ارومیه نتیجه‌ای حاصل نشد

همچنین پدرام جدی، پژوهشگر منابع طبیعی و محیط زیست، این وضعیت را نتیجه سال‌ها اقدامات و رویه‌های ضد محیط زیستی و انسان‌محورانه مسئولین، مدیران و دستگاه‌های متولی و موثر دانسته و در این باره گفت: زمانی که اکوسیستم از شرایط پایدار خارج می‌شود، به شدت شکننده می‌شود و حتی با گذشت زمان و در صورت فراهم شدن شرایط ایده‌آل، ممکن است به وضعیت قبلی خود بازنگردد.

دبیر شبکه تشکل‌های محیط زیست و منابع طبیعی: اگر بخواهم بهترین تیتر را برای وضعیت دریاچه ارومیه انتخاب کنم، باید بگویم که ما همه با هم اشتباه کردیم. همه دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان، اشتباهات مهلکی انجام داده‌اند. اما اگر بخواهیم مقصر اصلی را مشخص کنیم، باید بگویم که دولت به‌عنوان پیشانی حرکت، بیشترین اشتباهات را مرتکب شده و طلایه‌دار این اشتباهات است

وی ادامه داد: دریاچه ارومیه از جمله مواردی است که متأسفانه با وجود هزینه‌هایی که برای طرح‌های عمرانی و ترویجی، از جمله همکاری‌های بین‌المللی با کشورهایی نظیر ژاپن و سازمان‌های مختلف انجام شده، نتیجه‌ای حاصل نشده و به نظر می‌رسد که در آینده نیز به همین شکل باقی بماند.

این پژوهشگر منابع طبیعی و محیط زیست تصریح کرد: برای احیای دریاچه ارومیه با سازه‌های عمرانی انتقال آب از سررشته‌های کردستان و جنوب ارومیه به دریاچه ارومیه در دولت سیزدهم انتقال دادند و به‌بهره‌برداری رسید، اما این اقدام تنها به‌عنوان یک مُسکن عمل کرد و نتوانست به احیای واقعی دریاچه کمک کند. احیای دریاچه ارومیه به یک اراده ملی و محلی بزرگ نیاز دارد. مصرف‌کنندگان آب در منطقه باید بپذیرند که برای حفظ دریاچه ارومیه باید تغییراتی در الگوی مصرف خود ایجاد کنند و از طرفی نمی‌توان انتظار داشت که دریاچه حیات داشته باشد در حالی که زمین‌ها و محصولات کشاورزی مدام توسعه پیدا می‌کنند.

انتظار احیای دریاچه ارومیه غیرواقعی است

جدی گفت: مدیریت منابع آبی که در سال‌های گذشته در منطقه و حوضه آبخیز ارومیه حاکم بوده، این انتظار را غیرواقعی می‌سازد که دریاچه ارومیه احیا شود. با مرگ این دریاچه علاوه بر ایجاد مشکلات گردشگری، سلامت مردم نیز به خطر می‌افتد. وزش باد نیز در این منطقه می‌تواند به بلند شدن نمک و فلزات سنگین و شیوع بیماری‌های مختلف منجر شود.

وی تصریح کرد: این شرایط نه تنها بر سیستم سلامت تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه ممکن است حاصلخیزی خاک‌های اطراف دریاچه ارومیه را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد و معیشت کشاورزان را به خطر بیندازد. از همه مهمتر، ما با از دست دادن این دریاچه، یک میراث زیستی و کهن را از دست خواهیم داد که هویت تاریخی و فرهنگی منطقه به آن گره خورده است. فقدان این دریاچه ضربه‌ای جدی به هویت ملی و محلی می‌زند که آثار بی‌شماری به همراه خواهد داشت.

از گوشه و کنار

شیرخشک نوزادان با سهمیه‌بندی پیچیده‌تر عرضه می‌شود!

سرپرست اداره کل فرآورده‌های طبیعی سنتی مکمل و شیرخشک سازمان غذا و دارو در خصوص سهمیه‌بندی شیرخشک نوزادان در کشور توضیح داد: تخصیص شیرخشک یارانه‌ای بر پایه سامانه‌ای هوشمند انجام می‌شود که با استفاده از کد ملی و سن نوزاد، سهمیه ماهانه را به‌طور دقیق مدیریت می‌کند. در نخستین مراجعه، ممکن است تنها بخشی از سهمیه تحویل داده شود تا امکان توزیع عادلانه میان همه متقاضیان فراهم شود. فارس نوشت: شهرام شعیبی بیان کرد: این سامانه قابلیت رصد ابتدا تا انتهای زنجیره و عرضه به مصرف‌کننده را داشته و در صورت اعتراض یا شکایت، رسیدگی لازم صورت می‌گیرد. همچنین در شرایط خاص مانند بیماری یا مشکلات متابولیک، امکان افزایش سهمیه با تأیید پزشک معتمد از طریق سامانه حامی وجود دارد. بدین صورت که در گذشته تمام گروه‌های سنی ۱۰ قوطی یارانه‌ای و ۱۰ قوطی آزاد دریافت می‌کردند و جهت توسعه مصرف منطقی شیرخشک و عدالت در عرضه آن سقف سهمیه بر حسب گروه‌های سنی اصلاح شده است. این در حالی است که روز گذشته خبری در رسانه‌ها تحت عنوان «کاهش سهمیه شیرخشک از ۱۰ به ۴ قوطی» منتشر شد که سازمان غذا و دارو امروز ۶ مرداد ماه این خبر را تکذیب کرد.

اکونومیست:

هوش مصنوعی در حال کشتن اینترنت است

ترافیک وب‌سایت‌های خبری بیش از نصف کاهش یافته است. سایت‌های علمی و آموزشی ۱۰ درصد، سایت‌های مرجع ۱۵ درصد، سایت‌های بهداشتی ۳۱ درصد از بازدیدکنندگان خود را از دست داده‌اند. به گزارش باشگاه خبرنگاران نوشت: کاربران به جای موتورهای جستجوی معمولی، پرسش‌های خود را در چت‌بات‌ها مطرح می‌کنند. نتیجه این است که ناشران «محتوا»، از ارائه‌دهندگان اخبار و انجمن‌های آنلاین گرفته تا سایت‌های مرجع مانند ویکی‌پدیا، شاهد کاهش نگران‌کننده‌ای در ترافیک خود هستند.

در نشست هم‌اندیشی «برای حیات ایران» مطرح شد؛

پیشنهاد یک روز در هفته دولت برای عذرخواهی از مردم

دومین نشست هم‌اندیشی «برای حیات ایران» با عنوان «ارتباط و اعتماد؛ دو بال تاب‌آوری در بحران» دیروز دوشنبه با حضور جمعی از مسئولان روابط عمومی دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی در اتاق بازرگانی ایران برگزار شد تا تجربه روابط عمومی‌ها و مسئولیت اجتماعی در مراقبت از جامعه در دوران جنگ ۱۲ روزه بازخوانی شود. عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت در جمع‌بندی این نشست خطاب به بخش خصوصی حاضر در جلسه گفت: رئیس جمهور از همان ابتدای انتخابات ریاست جمهوری بر رضایت داشتن مردم تاکید داشت و برای شما هم رضایت مشتری باید مهم باشد، شما می‌توانید بدون ملاحظه با مردم صحبت کنید. سید شهاب‌الدین طباطبایی افزود: شما که با مردم در ارتباط هستید کمک کنید چرا که مردم با شما حرف می‌زنند و بعد از دفاع مقدس ۲، میزان گرایش مردم به اصلاح‌پذیری افزایش یافته است. وی تاکید کرد: پیشنهاد دارم در هفته دولت یک روز برای عذرخواهی از مردم داشته باشیم و ببینیم در این یک سال گذشته چه اشکالاتی بود تا بتوانیم آنها را رفع کنیم.

هشدار درباره برخی مواد آرایشی؛ از اختلالات پوستی تا ریسک سرطان

شهریاری با تاکید بر اهمیت انتخاب آگاهانه محصولات آرایشی خاطرنشان کرد: مصرف‌کنندگان باید هنگام خرید، به برچسب محصول توجه کرده و از فرآورده‌هایی استفاده کنند که فاقد پارابن هستند. طیبه شهریاری نسبت به استفاده از پارابن‌ها در بسیاری از محصولات آرایشی هشدار داد و اظهار کرد: این ترکیبات شیمیایی می‌توانند سلامت پوست و بدن را تهدید کنند وی با اشاره به کاربرد گسترده پارابن‌ها در صنایع آرایشی و بهداشتی افزود: این مواد به عنوان نگهدارنده برای جلوگیری از رشد میکروب و قارچ به کار می‌روند و در شامپو، نرم‌کننده، ماسک مو، کرم‌های مرطوب‌کننده، لوسیون بدن، کرم پودر، ریمل، رژلب، برخی داروها و مواد غذایی فرآوری‌شده یافت می‌شوند. رئیس اداره فرآورده‌های آرایشی و بهداشتی معاونت غذا و دارو گفت: ساختار شیمیایی پارابن‌ها به گونه‌ای است که می‌توانند در بدن عملکردی شبیه به هورمون استروژن داشته باشند که این موضوع احتمال بروز ناباروری، اختلالات هورمونی و حتی افزایش ریسک سرطان پستان را افزایش می‌دهد. البته تاکنون ارتباط مستقیم آن با سرطان قطعی نشده است. وی افزود: پارابن‌ها همچنین می‌توانند موجب بروز علائمی مانند خارش، التهاب، قرمزی و واکنش‌های پوستی در افراد دارای پوست حساس شوند و سلامت مصرف‌کننده را در درازمدت تحت تأثیر قرار دهند.

اعلام آمار مبتلایان به هپاتیت C در ایران

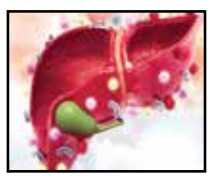

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: شیوع هپاتیت B در ایران زیر یک درصد و مبتلایان به هپاتیت C حدود ۱۷۰ هزار نفر است. به گزارش رکنا، قباد مرادی در نشست خبری روز جهانی هپاتیت که در وزارت بهداشت برگزار شد، افزود: شعار امسال، پیش به سوی حذف هپاتیت سی است. اکنون ۳۴۰ میلیون نفر مبتلا به انواع آن بوده و سالیانه حدود یک میلیون نفر به دلیل عارضه هپاتیت فوت می‌کنند. به گفته وی؛ واکسیناسیون هپاتیت از سال ۷۳ شروع شده است و اکنون شیوع بیماری هپاتیت بی کمتر از یک درصد است.

گزارش

روایتی از میراث فراموش‌شده در پایتخت تشنه ایران

قتل عام خاموش قنات‌های تهران

در دل یکی از خشک‌ترین سال‌های تهران، آب برخی قنات‌های تاریخی این شهر هنوز جاری‌ست؛ امانه در باغ‌ها و خانه‌ها، بلکه در لوله‌های فاضلاب. در حالی که شهر با بحران شدید کم‌آبی و افت سطح سفره‌های زیرزمینی دست‌وپنجه نرم می‌کند، توسعه بی‌رویه شهری و نبود مدیریت یکپارچه، میراث آبی تهران را به مرز نابودی کشانده است. اسکندر مختاری طالقانی، پژوهشگر میراث فرهنگی از قنات‌هایی می‌گوید که هنوز می‌جوشند اما گمنام و بی‌ثمر به فاضلاب می‌ریزند.

پایتخت ایران در حالیکه با چالش بی‌سابقه خشکسالی و افت شدید منابع آب زیرزمینی مواجه است، قنات‌های تاریخی آن، یادگار هوشمندی ایرانیان در مهار و توزیع پایدار آب، یکی پس از دیگری به فراموشی سپرده می‌شوند و یا به فاضلاب شهری می‌ریزند. قنات‌هایی که روزگاری باغ‌ها، محله‌ها، کاخ‌ها و زندگی مردم را سیراب می‌کردند، امروز یا کور شده‌اند یا مسیرشان منحرف شده و یا قربانی بی‌برنامگی توسعه بی‌وقفه شهری شده‌اند.

اسکندر مختاری طالقانی، مرمتگر و پژوهشگر میراث معماری و شهرسازی در گفت‌وگو با ایسنا به روایت سرنوشت قنات‌های تهران پرداخت و از قنات‌های زنده‌ای که آب آن‌ها روانه فاضلاب می‌شود، تا قنات‌های خشکی که زمانی کاخ گلستان و میدان مشق را مشروب می‌کردند، سخن گفت.

مختاری با بیان اینکه قنات‌های تهران روایتی اندوه‌بار دارند و یکی از نقاط تاریک توسعه معاصر شهری در ایران محسوب می‌شوند، گفت: هم‌اکنون که با شما سخن می‌گویم، بسیاری از قنات‌های تهران هنوز فعال‌اند اما آب آن‌ها مستقیماً وارد شبکه فاضلاب شهری می‌شود. برای مثال، قنات «فخرالدوله» در محدوده الهیه، به واسطه ساخت برجی که در مسیر آن قرار گرفت، آب خود را پمپاژ می‌کند و به فاضلاب می‌ریزد. قنات «پینَک» در نزدیکی باغ فردوس و قنات «باغ فردوس» نیز سرنوشتی مشابه دارند؛ هنوز آبی در خود دارند اما بی‌هدف و بی‌حاصل، سر از شبکه فاضلاب در می‌آورند. او اضافه کرد: قنات «مهرگرد» که قدیمی‌ترین قنات تهران است و قدمتش به پیش از اسلام می‌رسد، هنگام احداث تقاطع خطوط ۱ و ۲ مترو تهران منحرف شد. امروز مشخص نیست آب این قنات به کجا می‌رود. خشک شدن قنات مهرگرد سبب خشک شدن درختان سمت غرب کاخ گلستان شد. درختان سمت شرق کاخ نیز به‌واسطه خشک شدن قنات «ناصری»، که در زمان ناصرالدین‌شاه حفر شده بود، از بین رفتند. یعنی دو قنات اصلی که کاخ گلستان را مشروب می‌کردند، از جریان اصلی خارج شدند.

این پژوهشگر و معمار ادامه داد: قنات «حاج‌علیرضا» هنوز فعال است اما در چند نقطه مسیرش بسته شده و آب آن نیز در نهایت وارد فاضلاب می‌شود. این قنات نیز محله عودلاجان (اودلاجان) را مشروب می‌کرده و آبی گوارا داشته که مردم برای آشامیدن از آن بهره می‌بردند، همانند قنات مهرگرد.

او اضافه کرد: قنات «ناصری» آن‌قدر آب زلال و خوش‌گوار داشت که در محل فعلی خیابان یاراجانی در میدان مشق، مظهری از آن قرار داشت که مردم آن را «آب شاه» می‌نامیدند. این قنات در گذشته از محله بهجت‌آباد فعلی سرچشمه می‌گرفت.

مختاری با بیان اینکه هر یک از این قنات‌ها، مظهر و تاریخچه خاص خود را داشته‌اند، اظهار کرد: قنات «مستوفی» در یوسف‌آباد تا چندی پیش مظهر داشت و آب آن جاری بود. قنات «فرمانفرما» نیز هنوز فعال است، اما آب آن هم روانه فاضلاب خیابان پاسداران می‌شود. تأسف‌بار است که در شهری که از کم‌آبی رنج می‌برد، چنین نعمت‌هایی نادیده گرفته می‌شود. در شهری که با بحران بی‌آبی روبه‌روست، چرا باید قنات‌ها به‌جای بهره‌برداری، مستقیم به فاضلاب شهری ریخته شوند؟ چگونه مجوز داده می‌شود که برج‌هایی با ۱۰ یا ۱۵ طبقه تا زیرزمین احداث شوند و مسیر قنات‌ها را کور کنند؟

او افزود: تا اوایل دهه ۷۰، اگر کسی قصد ساخت خانه‌ای در تهران را داشت و زمینش در مسیر قنات قرار داشت، باید مجوز بازدید از میله‌های قنات را به اداره قنوات شهرداری می‌داد. اما اکنون، دیگر خبری از این نظارت نیست و بسیاری از مسیرهای قنات‌های تهران کور شده‌اند.

مختاری ادامه داد: از دیگر قنات‌هایی که هنوز هم فعال است، قنات «سردار» در باغ فیض است که از امامزاده باغ فیض خارج می‌شود. قنات دیگری نیز در امامزاده عینعلی و زینعلی پونک قرار دارد که متعلق به خانواده فرمانفرماست و هنوز خشک نشده اما سیستم آبرسانی‌اش به‌شدت آسیب دیده است.

این کارشناس مرمت افزود: قنات «مستوفی» و قناتی دیگر در منطقه‌ی ده‌ونک هنوز فعال‌اند و آب در آن‌ها جریان دارد و به باغ‌ها می‌رسد. این قنات‌ها حدود ۱۲۰ سال پیش توسط مستوفی‌الممالک حفر شده‌اند و تاکنون پابرجا مانده‌اند، هم قنات ده‌ونک و هم قنات یوسف‌آباد هنوز زنده‌اند. این پژوهشگر میراث فرهنگی اظهار کرد: هم‌اکنون در مسیر بسیاری از این قنات‌ها ساخت‌وسازهای گسترده‌ای صورت گرفته و یا مسیر جریان آب آن‌ها منحرف شده است. برای نمونه، قنات «فخرالدوله» که منطقه الهیه را مشروب می‌کرده است، در پی همین ساخت‌وسازها اکنون به فاضلاب می‌ریزد و باغ‌های پایین‌دست آن خشک شده است.

مختاری درباره تعداد رشته قنات‌های تهران در گذشته، گفت: در این زمینه اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی منابع، تعداد قنات‌های تهران را بیش از ۱۵۰ رشته عنوان می‌کنند. در همین محدوده شهری، قنات‌های متعدد وجود داشته و هر شخصی باغی و توان مالی آن را داشت، معمولاً قناتی برای مشروب کردن آن حفر می‌کرد.

این پژوهشگر میراث فرهنگی با بیان اینکه قنات‌ها در گذشته تحت مالکیت افراد یا هیأت امنایی قرار داشتند که آن‌ها را اداره می‌کردند، افزود: هیأت امنایی شدن قنات «مهرگرد» وابسته و تحت نظر اداره املاک سلطنتی بود و پس از انقلاب، مالکیت این املاک به مجموعه کاخ گلستان واگذار شد که مسئولیت اداره موقوفات مرتبط با این قنوات را بر عهده گرفت. در گذشته، هزینه نگهداری قنات‌ها از محل موقوفات تأمین می‌شد. برای مثال، مغازه‌هایی در بازار تهران توسط مالک آن وقف، نگهداری می‌شد. این نظام، نمونه‌ای از مدیریت مردمی و خردمندانه بود که بی‌نیاز از مداخله حکومت، قنات‌ها را سرپا نگه می‌داشت. برخی دیگر از قنات‌های تهران هنوز هم کار می‌کنند مانند قنات سفارت انگلستان، قنات سفارت ایتالیا، که مظهری آبی دارد، قنات سفارت روسیه و قنات باغ سفارت ترکیه. تمام این‌ها فعال‌اند اما سیستم مدیریت سنتی آن‌ها از بین رفته است.

او بیان کرد: به خاطر دارم تا سال ۱۳۴۲ هنوز میراب‌ها وجود داشتند؛ کسی که داد می‌زد تا آب انبارها را پر کند. یادم است که آب آشامیدنی را از سر کوچه‌هایمان با وسیله‌ای به‌نام فشاری می‌آوردیم که به آن آب آشامیدنی «آب شاه» می‌گفتند. آبیاری باغچه‌ها و شست‌وشو نیز از آب قنات‌ها مشروب می‌شد.

مختاری درباره امکان احیای این قنات‌ها گفت: ابتدا باید به سراغ آن‌هایی برویم که احیا هستند و پیش از آن که نابود شوند، آن‌ها را بررسی و ساماندهی کنیم تا آب آن‌ها به هرز آب نرود. قدم بعدی این است که به سراغ قنات‌های آسیب دیده، برویم و اگر جای جبران دارد، چاره‌ای بیندیشیم. سومین قدم این است که قانون حقوق عمومی که در گذشته مراعات می‌کردیم، به‌جا آوریم؛ یعنی اگر مالکان، هنگام ساخت‌وساز با قنات برخورد کردند، باید متعهد شوند مسیر قنات را حفظ کنند.

او افزود: در همین تهران، می‌توان ده‌ها نمونه پیدا کرد که مالکان برج‌ها، آب قنات را به‌جای استفاده به فاضلاب پمپاژ می‌کنند. در حالی که آپارتمان‌هایی با قیمت‌های میلیاردی در حال فروش‌اند، کمترین انتظار آن است که صاحبان آن‌ها به حفظ مسیر قنات متعهد باشند. چرا مترو تهران نمی‌تواند مهندس مالکی که مسیر یکی از قنات‌های تهران را به فاضلاب منحرف کرده، ملزم کند مسیر قنات منحرف‌شده را اصلاح کند؟

این پژوهشگر میراث فرهنگی در ادامه گفت: کاخ گلستان در گذشته تنها بیست متر با آب فاصله داشت، حال آن که اکنون، چاه‌های اطراف آن در فاصله حدود ۱۰۰ متری زده شده‌اند و قنات‌هایی که روزی درختان را آبیاری می‌کردند، خشک شده‌اند. در میدان مشق در ۱۰۰ متری برای آبیاری چهار تا درخت، چاه زدند. قنات سنگلج، مظهرش در پارک شهر قرار داشت و به سمت سنگلج جاری بود. این قنات هنوز هم وجود دارد؛ چرا نجاتشان نمی‌دهیم؟

این پژوهشگر میراث شهرسازی در پاسخ به اینکه احیای این قنات‌ها می‌تواند تأثیری بر وضعیت بحران کم‌آبی کنونی بگذارد؟ توضیح داد: بسیار تاثیرگذار است، ما آب‌های روان را به فاضلاب می‌ریزیم، در حالی که شهر و کشور از تشنگی در حال تعطیلی است. این کفران نعمت الهی است. بسیاری از این قنات‌ها با وجود آسیب‌ها هنوز هم مانند یک رودخانه آب‌دهی دارند. «چشمه علی» که هفت‌هزار سال می‌جوشید و موجب شکل‌گیری تمدن ری شد، امروز به خَشکی رسیده و هیچ‌کس مسئولیت آن را بر عهده نمی‌گیرد. مصیبت از این بیشتر! این حجم از آب قنات‌ها وارد فاضلاب می‌شود. این ظلم است.

او افزود: قنات باغ فردوس را مسدود کرده‌اند، آب آن از حمامی در آن سوی خیابان عبور و درختان را سیراب می‌کرد. امروز، سیستم آبیاری قطره‌ای برای چنار ۲۰۰ ساله جایگزین شده، اما همان هم گاه و بی‌گاه کار می‌کند و درختان در حال خشک شدن هستند. چگونه می‌توان چنین نابخردی را پذیرفت؟ قنات در چند قدمی است، اما راهش را بسته‌ایم و جای آن سیستم ناکارآمد گذاشته‌ایم.

مختاری همچنین درباره ویژگی‌های سیستم آبرسانی سنتی تهران توضیح داد: در خصوص سیستم سنتی آبرسانی تهران، باید گفت که این نظام، مردمی و مشارکتی بوده است. در احداث و نگهداری، مردم نقش مستقیم داشته‌اند. هر قنات دارای هیأت مدیره‌ای بود که مسئولیت نظارت و نگهداری آن را بر عهده داشت. هزینه‌ها از محل موقوفات تأمین می‌شد و نظارتی دقیق بر توزیع آب وجود داشت تا مثلاً قنات به جای یک ساعت، پنج ساعت به باغی خاص نرود. نظمی مردمی حاکم بود که مانع تعدی و تخلف می‌شد. مردم سازنده، نگهدارنده و بهره‌بردار قنات‌ها بودند و به آب حرمت می‌گذاشتند و این کار اصلا به حکومت نمی‌رسید.